

نقش نهاد مرجعیت در جامعه‌پذیری سیاسی مردم؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی

عزیزه کریمی^۱

علی سیف پور^۲

مهدی بهرامی^۳

پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۱۰

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۱۷

چکیده

نهادهای دینی در تاریخ معاصر ایران یکی از نهادهای اصلی جامعه‌پذیرکننده به شمار می‌آیند. این نهادها همواره در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران با ابزارهایی که در اختیار داشتند، نقش به‌سزایی در جامعه‌پذیری سیاسی مردم ایفا کرده‌اند، «نهاد مرجعیت» هم به مثابه نهادی سیاسی، اجتماعی و مذهبی یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیرکننده مردم در ایران بوده است. تربیت سیاسی یا جامعه‌پذیری سیاسی مردم یکی از کارکردهای «نهاد مرجعیت» است که در قالب شبکه اجتماعی «مرجع تقلید - مقلد» و با سازوکاری پیچیده و با استفاده از ابزارهای گوناگون انجام شده است. از آنجا که از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی باورهای حاصل از جامعه‌پذیری نهاد مرجعیت به علت تفکیک ساختاری روحانیت از نهاد سیاست، با باورهای سیاسی هیئت حاکم تعارض داشت، جامعه‌پذیری سیاسی مردم توسط نهاد روحانیت نمود و بروز بیشتری دارد. بر این اساس این مقاله در صدد این است که با روش تاریخی - تحلیلی به این سؤال که «نهاد مرجعیت چگونه و با چه ابزاری در سال‌های بین انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در جامعه‌پذیری سیاسی یا تربیت سیاسی مردم سهیم بوده است؟» یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که خطابه، فتوا، بیانیه، تجمعات سیاسی، شاگردپروری، رسانه، مهاجرت و نظریه‌پردازی ابزارهایی هستند که نهاد مرجعیت در سال‌های بین انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی از آن‌ها برای جامعه‌پذیری سیاسی مردم بهره برده است.

واژگان کلیدی:

نهاد مرجعیت، جامعه‌پذیری سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تربیت سیاسی، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی ایران.

۱. کارشناس ارشد علوم اجتماعی گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد az.karimi70@gmail.com

۲. پژوهشگر مرکز مدیریت بحران دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) aliseifpoor2@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حکمت و هنر دینی دانشگاه ادیان و مذاهب mahdy bahrami@gmail.com

مقدمه

در سال‌های بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و در نبود نهادهای واسط بین حکومت و مردم و نهادهای آموزشی منسجم و یا احزابی که بتوانند آموزش‌های لازم را به مردم ارائه دهند «نهاد مرجعیت» با بهره‌مندی از شبکه اجتماعی‌ای که در اختیار داشته به‌عنوان نهادی جامعه‌پذیرکننده نقش تربیت سیاسی برای مشارکت در صحنه‌های سیاسی را بر عهده داشت. اگرچه نهاد مرجعیت در این دوران به مباحثی چون جامعه‌پذیری سیاسی واقف نبودند اما مجموعه کارهای که در این دوران توسط این نهاد صورت گرفته است را می‌توان ذیل جامعه‌پذیری سیاسی قرار داد.

از این رو در این مقاله با توجه به جامعه‌پذیری سیاسی که یک مقوله مدرن و جدید مطرح شده در جامعه‌شناسی سیاسی است فعالیت‌های مراجع ذیل عنوان کلی «نهاد مرجعیت» از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی با روش تاریخی - تحلیلی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و سعی شده است با بیان نمونه‌های تاریخی به اینکه «نهاد مرجعیت چگونه و با چه ابزاری در سال‌های بین انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در جامعه‌پذیری سیاسی یا تربیت سیاسی مردم سهمیم بوده است؟» پاسخ داده شود. برای تشریح این مسئله نخست به تبیین و تحلیل مفاهیم مورد استفاده در این مقاله یعنی جامعه‌پذیری سیاسی و نهاد مرجعیت پرداخته شده است، سپس با توجه به تعاریف ارائه شده از مفاهیم اصلی مقاله با توجه به فعالیت‌های مراجع در این دوران نمونه‌های تاریخی‌ای آورده شده است. بدون تردید نمونه‌های بیان شده در این مقاله ذیل هر عنوان تنها مورد موجود در این دوران نیست و موارد متعددی برای هر کدام از عناوین ذکر شده در این مقاله وجود دارد که به علت گسترده شدن مقاله فقط به بیان یک مورد از آن موارد بسنده شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. نهاد مرجعیت

«نهاد مرجعیت» متشکل از دو قطب «مقلد» و «مرجع تقلید» یا همان مجتهد جامع‌الشرایط است. مقلد کسی است که برای دانستن مسائل دینی و شرعی خود به

مرجع تقلید رجوع می‌کند (جعفریان ۱۳۸۵، ۱۷۰). مرجع تقلید مجتهدی است که قوه فکری و ملکه استدلال آن را دارد و می‌تواند احکام اسلامی را از آیات و روایات استخراج و به مردم عرضه کند. مرجع تقلید مفهومی عام‌تر از مجتهد است؛ مرجع تقلید مجتهدی است که دارای رساله است و مردم در مسائل شرعی و اجتماعی از او تقلید می‌کنند (واعظ زاده خراسانی ۱۳۷۳، ۴-۱۰).

اگرچه دو قطب «نهاد مرجعیت»، «مرجع تقلید» و «مقلدان» است اما نقش روحانیون وابسته به مراجع که در حقیقت نمایندگان مراجع در میان مردم هستند بسیار اهمیت دارد چرا که روحانیون باعث تشکیل شبکه اجتماعی می‌شوند که در درون این شبکه اجتماعی افراد در سطوح مختلف این نهاد به کنش با یکدیگر می‌پردازند (واعظ‌زاده خراسانی ۱۳۷۳، ۴-۱۰).

در اندیشه سیاسی تشیع در زمان حیات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) آن بزرگواران متولی اداره جامعه و برپایی حکومت بودند و در زمان غیبت هم نایبان و نمایندگان امام عصر (علیه‌السلام) مستحق حکومت به نیابت ایشان بودند و بعضاً برای برپایی حکومت تلاش کرده‌اند (قاضی زاده ۱۳۷۷، ۱۱۳). اما از آنجا که در سال‌های بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران بستر و زمینه‌ها برای حکومت عالمان دین فراهم نبود، این عالمان و مراجع تقلید در حیات سیاسی مردم و زندگی آن‌ها نقش خود را ایفا می‌کردند و همواره ملجأ و پناهگاه مردم بودند و بسیاری از کارکردهایی را که احزاب سیاسی نمی‌توانستند به درستی ایفا کنند را بر عهده گرفته بودند.

بر این اساس اگر «نهاد مرجعیت» را به مثابه هرمی در نظر بگیریم در رأس این هرم شخص مرجع تقلید قرار دارد و در طبقات زیرین این هرم فضلا و شاگردان خاص مرجع تقلید واقع شده‌اند و در سطوح پایین‌تر طلاب و روحانیون معمولی قرار دارند تا به قاعده هرم که مقلدان در آن جای گرفته‌اند. این نهاد اجتماعی، مذهبی و سیاسی در قالب شبکه‌ای متشکل از «مرجع - مقلد» به‌طور عام و شبکه‌ای متشکل از شخص مرجع تقلید، تمام روحانیون و وابستگان به مرجع تقلید و مقلدان به‌طور خاص فعالیت می‌کند و به‌صورتی که در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد ولی در واقع سازوکاری پیچیده دارد مطالبات و سؤالات مردمی از قاعده هرم و از میان مقلدان توسط طلاب جمع‌آوری شده

و از طریق فضلا و شاگردان خاص به مرجع تقلید می‌رسد و فتاوی و دستورات مرجع تقلید هم از طریق همین شبکه اجتماعی در اختیار مقلدان قرار می‌گیرد.



شکل شماره ۱: رابطه دو قطب مرجع و مقلد در نهاد مرجعیت

۲-۱. جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از: «روندی است که افراد به‌وسیله آن دیدگاه‌ها و الگوهای رفتار سیاسی را کسب کرده و به وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آگاه می‌شوند و موجب انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌شود که این خود مقدمه‌ای برای ثبات و یا انقلاب در یک جامعه است» (علویان ۱۳۸۲، ۸۷). بر این اساس جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان فرآیندی تعریف کرد که به‌وسیله آن افراد در جامعه معین با نظام‌ها و سیستم‌های سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه قابل توجهی ادراکشان از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده سیاسی تعیین می‌شود (راش ۱۳۷۷، ۱۰۲). بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی مقوله‌ای است که مردم در فرآیند آن جهت‌گیری‌ها و انگاره‌های رفتار سیاسی خود را کسب می‌کنند (رنی ۱۳۷۴، ۸۳). در نتیجه در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی «شهروند به مجموعه‌ای از نظرات، آگاهی‌ها، اطلاعات، احساسات و تهییج دست می‌یابد و آن‌ها را کسب می‌کند و این مهم او را قادر می‌سازد که همه آن‌ها را به‌نحوی با یکدیگر ارتباط دهد و وقایع سیاسی و محیط

خود را تجزیه و تحلیل و ارزیابی کند. به این ترتیب هر فرد دارای یک شخصیت اجتماعی - سیاسی است که مجموعه‌ای به هم پیوسته از گرایش‌ها و تمایلاتی است که دیدگاه‌های سیاسی او را تشکیل می‌دهد» (منصوری ۱۳۷۷، ۹۲).

جامعه‌پذیری افراد جامعه را برای زندگی اجتماعی آماده کرده، ضمن حفظ ثبات جامعه زمینه ایجاد تغییرات ضروری را نیز به وجود می‌آورد. جامعه‌پذیری سیاسی نیز کارکردهای مشابهی دارد. در درجه اول تربیت افراد جامعه در بستر ارزش‌های سیاسی رایج، باعث می‌شود که افراد این ارزش‌ها را فرا بگیرند. باید توجه شود که ارزش‌های سیاسی رایج به تدریج به هر شخص القاء می‌شود و شخص را قادر می‌سازد با نظام سیاسی رابطه برقرار کند، انتظار رفتارهای معینی از نظام سیاسی داشته باشد و آنچه از او انتظار می‌رود را فرا بگیرد. در درجه دوم جامعه‌پذیری سیاسی با ایجاد شرایط مناسب و آموزش اعضای جامعه، آنان را به اطاعت از قوانین و ایفای نقش کامل خود وا می‌دارد و با این کار به استمرار بقای نظام سیاسی کمک می‌کند. این امر در واقع به منزله ایجاد ثبات جامعه است. جامعه‌پذیری سیاسی همچنین کمک می‌کند که تحولات سیاسی به آرامی صورت بگیرد (عالم ۱۳۷۲، ۱۱۷).

از آغاز نهضت تحریم تنباکو مرجعیت دینی وجهه‌ای کاملاً سیاسی به خود می‌گیرد و در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی این امر تشدید می‌شود. مرجعیت سیاسی شیعه قبل از انقلاب اسلامی با استفاده از ظرفیت مکتب تشیع به بازتولید مفاهیم دینی و انقلابی می‌پردازد و با برداشتن مرزهای تصنعی میان دین و سیاست مردم را به عنوان کنش‌گرانی فعال وارد عرصه سیاست می‌کند. عمده‌ترین تلاش محوری جامعه‌پذیری سیاسی در زمینه فرهنگ سیاسی است؛ در جامعه‌پذیری سیاسی، روی فرهنگ سیاسی افراد جامعه کار می‌شود و سه کار ویژه در این زمینه انجام می‌شود که عبارتند از: ۱. حفظ و نگه‌داری فرهنگ سیاسی؛ ۲. تغییر و تحول در آن؛ ۳. پایه‌گذاری یک فرهنگ سیاسی نوین (هرمز ۱۳۷۶، ۴۵).

در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی عوامل متعددی از قبیل خانواده، نظام آموزشی، همسالان و دوستان، نهادهای مذهبی، احزاب، محیط یا گروه‌های کاری و رسانه‌های جمعی ایفای نقش می‌کنند و «نهاد مرجعیت» در تاریخ معاصر ایران با استفاده از

ظرفیت‌های بسیاری از این عوامل و ابزارهایی که در اختیار داشته توانسته است هر سه کارویژه مذکور را در سپهر سیاسی ایران انجام دهد. بر این اساس، این نهاد فرهنگ سیاسی را در جامعه حفظ کرد و در مواقع لزوم در آن تغییر و تحول ایجاد و هنگامی که تغییر و تحولات در درون نظام موجود پاسخ نداد نظام موجود را سرنگون کرد و فرهنگ سیاسی نوینی را پایه‌گذاری کرد.

۲. ابزارهای نهاد مرجعیت برای جامعه‌پذیری سیاسی

با توجه به آنچه در خصوص جامعه‌پذیری سیاسی مردم و همچنین تعریف نهاد مرجعیت بیان شد، روشن شد که این نهاد یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار در جامعه ایران بوده است چرا که ارتباط تنگاتنگی با همه مردم چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم و با ارسال نماینده یا همان روحانیون داشته است. این هرم تا قبل از ورود اندیشه‌های مدرن و تفکرات جدایی دین از سیاست، وابستگی شاهان ایران به علما و مراجع و همچنین تلاش شاهان برای رعایت ظواهر دین و راضی نگه داشتن علما با وجود اینکه در عرصه‌های دیگر اجتماعی نقش عمده‌ای در تبیین اندیشه‌های دینی و جامعه‌پذیر کردن مردم در جامعه اسلامی داشت اما به‌طور جدی وارد عرصه سیاست و تبیین سیاست از منظر اسلام و تشیع نشده بود، از همین رو تلاش‌های این نهاد در عرصه جامعه‌پذیری سیاسی مردم بسیار اندک و در سطح حفظ اسلام و مسلمانان از اجانب و کفار است.

اما در سال‌های بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی به‌واسطه فاصله میان حکومت و علما در نبود نهادهای واسطه بین حکومت و مردم و نهادهای آموزشی منسجم و یا احزابی که بتوانند آموزش‌های لازم را به مردم ارائه کنند، جامعه‌پذیری سیاسی یا تربیت سیاسی مردم یکی از کارکردهای «نهاد مرجعیت» بوده است که با سازوکاری پیچیده و به اقتضای زمان با استفاده از ابزارهای گوناگون انجام گرفته است. خطابه، فتوا، بیانیه، تجمعات سیاسی، شاگردپروری، رسانه، مهاجرت و نظریه‌پردازی ابزارهایی هستند که نهاد مرجعیت در طول تاریخ از آن‌ها برای جامعه‌پذیری سیاسی مردم بهره برده است.

۱-۲. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق خطابه

در اسلام خطابه و سخنوری یکی از راه‌های تبلیغ دین قلمداد می‌شود و به اندازه‌ای حائز اهمیت است که در یکی از مهم‌ترین شعایر مذهبی ما یعنی در نماز جمعه گنجانده می‌شود. اهمیت خطابه بقدری است که کسی که به صحبت‌های دینی و موعظه‌های سیاسی امام جمعه گوش فراداده باشد نماز خود را دو رکعت می‌خواند به عبارتی تشریح وقایع سیاسی، اجتماعی و دینی جز یکی از مهم‌ترین ارکان دین اسلام که نماز است، در نظر گرفته می‌شود (مطهری ۱۳۸۹، ۲۵: ۳۲۴).

به واسطه مطالبه علما و عموم مردم جهت اجرای احکام اسلامی در کشور و نزدیک‌تر شدن مفهوم دین و سیاست نزد علما و مردم، علما و روحانیون شیعه به خطابه و سخنوری کارکردی سیاسی بخشیدند و خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی را که در مناسبت‌های مذهبی ایراد می‌شد را به سلاح سیاسی برای مبارزه با ظلم تبدیل کردند این سلاح در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی سیاقی کاملاً سیاسی پیدا کرد از همین رو بود که باعث ممنوع‌المنبر شدن بسیاری از خطیبان و در برخی از موارد ممنوع شدن برگزاری مراسم با سخنرانی خطیبان شده بود (موسوی عبادی ۱۳۸۴، ۷۸).

این خطابه‌ها در بسترهای مذهبی به مردم عرضه می‌شد، به‌خصوص در مورد انقلاب اسلامی می‌توان گفت خطابه‌ها با برپایی شعایر مذهبی در هم تنیده شده بودند یعنی خطیب در مناسبتی مذهبی مثلاً برای عزاداری امام حسین (ع) خطبه‌ای می‌خواند و در انتهای سخنان خود با گریز به مباحث روز جامعه به شبیه‌سازی حادثه کربلا می‌پرداخت و به مردم گوشزد می‌کرد که باید حسین و یزید زمان خود را بشناسند و با تاسی به حسین زمان خود در مقابل یزید قیام کنند و به مقابله با ظلم بپردازند.

۱-۱-۲. نمونه‌هایی از خطابه‌هایی تأثیرگذار

الف - سخنرانی امام خمینی (ع) در روز عاشورا

یکی از تأثیرگذارترین خطابه‌ها سخنرانی امام خمینی (ع) در روز عاشورا و قبل از واقعه ۱۵ خرداد است امام (ع) در این سخنرانی در ابتدا با بیان حوادث عاشورا سخنان خود را آغاز می‌کند و سپس با گریز به وقایع جامعه به دستگاه حاکمه حمله می‌کند. بعد از این

سخنرانی امام دستگیر و تبعید می‌شود و قیام ۱۵ خرداد بعد از این سخنرانی آغاز می‌شود.

امام خمینی (علیه السلام) در بخشی از این سخنرانی عنوان کرده بود:

«امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگویید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می‌خواهید بگویید. خوب اگر این سه تا امر را کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه رفتاری داریم از این سه‌تاست...» (امام خمینی ۱۳۶۱، ۱: ۵۷).

ب. سخنرانی‌های آیت‌الله فلسفی به نمایندگی از آیت‌الله بروجردی

یکی دیگر از خطیب‌های تاثیرگذار آیت‌الله فلسفی (۱۳۲۷-۱۳۷۷) بود که در سال‌های منتهی به انقلاب همواره سخنرانی‌های او منجر به بسیج مردم می‌شد. در سال ۱۳۱۶ فلسفی در پی خطابه‌ای در مسجد بزازها به انتقاد از کشتار مسجد گوهرشاد پرداخت و ممنوع‌المنبر شد.

در پی رواج تعالیم فرقه ضاله بهائیت و نفوذ در دربار و مراکز حکومتی آیت‌الله بروجردی در نامه‌ای به آیت‌الله فلسفی از او خواست تا مراتب امر را به شاه اطلاع دهد، اما آیت‌الله فلسفی مصلحت را در آن دانست که این قضیه را در سخنرانی‌های مسجد شاه که به‌طور مستقیم از رادیو پخش می‌شد مطرح کند. با تأیید آیت‌الله بروجردی، این کار انجام شد و موجی بزرگ در سراسر کشور بر ضد بهائیت پدید آمد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۶: ۱۹۱).

۲-۲. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق فتوا

در مکتب تشیع فتوا علاوه بر کاربرد در امور مذهبی به‌عنوان ابزاری در دست مراجع شیعه برای اجرای احکام اسلامی و رعایت مصالح جامعه اسلامی هم تعریف می‌شود. تشیع این حق را برای فقها جامع‌الشرایط قایل شده است که در نبود امام معصوم (علیه السلام) در مباحث سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... که ضرورت ایجاب می‌کرد نظر

خود را در قالب حکم مذهبی بیان کنند؛ لذا هنگامی که مرجع تقلیدی نظر خود را در باب مسئله‌ای بیان کند تبعیت از نظر او برای مقلدانش واجب است. از نظر فقهی تنها کسی می‌تواند صاحب رأی باشد و اجازه صدور فتوی را داشته باشد که ویژگی‌هایی مانند عدالت و آشنایی با مباحث زمان را داشته باشد. (نجفی ۱۳۶۷، ۴۰: ۱۰۰-۱۰۲) در طول تاریخ سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی فتاوی متعددی از سوی مراجع تقلید صادر شده است که تاریخ‌ساز بوده‌اند و روند وقایع تاریخی را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

۲-۲-۱. بیان نمونه‌هایی از فتاوی تأثیرگذار

الف. فتاوی آخوند خراسانی در مورد وجوب آموزش نظامی

آیت‌الله محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ق) معروف به صاحب کفایه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع حامی مشروطه پس از سقوط استبداد صغیر، برای تداوم و حفاظت از مشروطیت، آموزش نظامی را واجب نمود. در این باره در یکی از اسناد آمده است: «معلوم است که حفظ اسلام و پاسبانی ممالک اسلامی تکلیف عامه مردم است و بر هر فردی از افراد مسلمین واجب است که به حسب قوه و استعداد خود، در مقام تحصیل مقدمات آن برآید، در اقدام به لوازم آن کوتاهی نکنند... بر عموم جوانان مسلمین و ابنای ملت اسلامی واجب است که در مشق نظامی و تعلم قواعد حربیه جدید، که معمول این زمان است، هیچ‌گونه مسامحه و مساهله ننمایند» (زرگری نژاد ۱۳۷۴، ۲۴۹).

ب. فتاوی سیدمحمدکاظم طباطبائی در دفاع از ممالک اسلامی

دولت ایتالیا قوای خود را برای اشغال کشور لیبی در شمال آفریقا به حرکت درآورد. در آن ایام، قسمت شمال ایران در اشغال قوای روس و جنوب آن، مورد هجوم انگلیس واقع شده بود. آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی (۱۲۴۸-۱۳۳۷ ق) معروف به صاحب عروه، یکی از فقهای نامدار شیعیان در دفاع از حدود و مرزهای ممالک اسلامی و برای مقابله با حمله و اشغال قوای استعمارگران فتوایی صادر کرد. این فتوا در ذی‌حجه سال ۱۳۲۹ هـ ق (آذر ماه ۱۳۲۹۰) به عربی صادر گردید که ترجمه آن چنین است: «در این ایامی که کشورهای اروپایی، مانند ایتالیا، به طرابلس غرب (لیبی) حمله

نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده‌اند و انگلیسی‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند، بر عموم مسلمانان، از عرب و ایرانی، واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند.....» (دوانی ۱۳۷۷، ۱۳۱).

۲-۳. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق اطلاعیه

صدور بیانیه در مقاطع تاریخی مهم یکی از راه‌های معمول اعلام موضع سیاسی توسط رجال سیاسی هر جامعه‌ای است. بیانیه یا اعلامیه متنی نوشتاری بود که از سوی مرجع تقلیدی برای بیان موضع سیاسی در مورد واقعه‌ای صادر و منتشر می‌شد. این بیانیه‌ها یا اطلاعیه‌ها به‌طور خاص در انقلاب اسلامی ایران تأثیری بی‌بدیل از خود بر جای گذاشتند و با هدایت مردم در شرایط بحرانی قدرت انقلابی مردم و مراجع را متبلور کردند.

۲-۳-۱. نمونه‌هایی از اطلاعیه‌های تأثیرگذار

الف. اطلاعیه سید محمد کاظم طباطبائی در تشویق مردم به استقلال اقتصادی
بدون تردید یکی از فعالیت‌های مهم مرحوم طباطبائی مبارزه با استعمار مخصوصاً استعمار انگلیس بود. این مبارزه تنها به رؤیایی مستقیم و فتوای جنگ و دفاع نبود. ایشان توجه ویژه‌ای به مسائل اقتصادی جهان اسلام و مسلمین توجه داشتند و استقلال سیاسی را بدون استقلال اقتصادی ممکن نمی‌دانستند. از همین رو ایشان هرگونه وابستگی اقتصادی را جایز نمی‌دانستند و در عمل نیز این را ثابت کرده بودند. در یکی از موارد دولت انگلستان بسیار کوشید تا با استفاده از وجوه موقوفات هند، نظر سید را جلب کرده، او را در خصوص مسائل اقتصادی و مبارزه با استعمار انگلیس و ادار به سکوت نماید، اما سید همانند شیخ مرتضی انصاری از پذیرفتن آن وجوه سر باز زد. سر رونالد استورزیک، از سیاستمداران انگلیسی که برای تقدیم هزار لیره به نزد سید رفته بود و سید از پذیرفتن آن خودداری کرده بود، نقل می‌کند: «من اطمینان حاصل کردم که با او نمی‌توان صحبت پول کرد، مقام عالی او، قابل خرید و فروش نیست و بسیار خوشوقت است که در این باب با او صحبتی ننمایم و البته چنین وضعی را در

کشورهای «مصر و حجاز» که همه برای پول به‌دنبال ما می‌دوند نمی‌توان یافت» (بذرافشان ۱۳۷۶، ۷۴). توجه ویژه ایشان در مبارزه با استعمار و استقلال اقتصادی باعث شد که اطلاعیه‌ای صادر کند و عموم مسلمانان را به تحریم کالاهای خارجی تشویق کند در این اطلاعیه آمده است:

«... مناسب است مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه، از دل فقر و احتیاج و سؤال و تحمل عملگی کفار و تشمت در بلاد کفر برهند... امیدوارم اخوان مؤمنین اقتدا و تاسی به رؤسای ملت (علما) نموده، بر حسب غیرت اسلامیت... اقتصار به همان ملبوسات اسلامی نمایند. بلکه در تمام اثاث‌البیت خود تا ممکن است، اکتفا به مصنوعات اسلامی نموده و در ملبس و مطعم و مسلک خود از شباهت به کفار بپرهیزند» (ابوالحسنی ۱۳۸۹، ۲۵۹).

ب. اطلاعیه امام خمینی (ره) در اعلام عزای عمومی عید نوروز ۴۲

پس از برگزاری فراندوم شاه در ششم بهمن ۱۳۴۱، مخالفت با این فراندوم از گوشه و کنار و در رأس آن‌ها از جانب امام خمینی (ره) بلند شد. حضرت امام (ره) طی نشست هفتگی با مراجع و علمای قم، خواهان در پیش گرفتن سیاست مشترک علیه رژیم شده و پیشنهاد دادند که در اعتراض به اعمال رژیم، نوروز ۱۳۴۲ عزای عمومی اعلام شود.

امام خمینی (ره) با استفاده از زمینه‌های قبلی که فراهم شده بود، بیانیه انقلابی خود را مبنی بر اعلام عزای عمومی نوروز سال ۴۲ منتشر کرد. ایشان در ضمن این بیانیه چند نکته اساسی را مطرح نمودند: ۱. هدف رژیم نابودی اسلام و روحانیت است. ۲. گوش‌زد نمودن اینکه آمریکا و اسرائیل خطر بزرگی برای اسلام هستند. ۳. این فراندوم نقشه‌های ارتجاعی رژیم جهت به فحشا کشیدن دختران مسلمانان به اسم «نظام وظیفه» است.

علی‌رغم تلاش‌های رژیم مردم از برگزاری مراسم عید خودداری ورزیدند (روحانی ۱۳۵۶، ۳۱۵). علمای تهران نیز به پیروی از امام (ره) عید را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم خواستند که بر سر درهای خود سیاه برافرازند (مدنی ۱۳۶۵، ۲: ۲۰-۲۱).

۲-۴. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق تجمعات سیاسی

تجمعات سیاسی در ایران در اشکال مختلفی اتفاق افتاده است گاهی این تجمعات به شکل تحصن، گاهی گردهمایی و در شرایطی هم در قالب تظاهرات گسترده ظهور پیدا کرده است.

لیتره در تعریف تظاهرات آن را «گردهمایی برای ظاهر ساختن یک نیت سیاسی» تعریف کرده است. طبق این تعریف تظاهرات، شکل فیزیکی عقیده و نمایش افکار عمومی است؛ چرا که اراده ملت را به خود ملت نشان می‌دهد (لازار ۱۳۸۳، ۱۵۷) در طول تاریخ سیاسی ایران و به‌خصوص بعد از انقلاب مشروطه که مردم ایران از نظر فهم سیاسی پیشرفت کرده بودند تجمعات و تظاهرات برای جامعه سرنوشت‌ساز بودند و نمودار اعتراض علیه وضع موجود شناخته می‌شد.

در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ایران تظاهرات و تجمعات سیاسی یکی از مهم‌ترین بسترهای انتقال مفاهیم انقلابی بود. در نبود رسانه‌هایی که بتوانند جریان‌سازی سیاسی کنند تجمعات و تظاهرات این کارکرد را ایفا می‌کردند؛ در تظاهرات افراد شعارهای انقلابی را فرا می‌گرفتند و با تکرار این شعارها اهداف انقلاب را در درون قلب‌های خود نهادینه می‌کردند.

۲-۴-۱. نمونه‌هایی از تجمعات سیاسی تأثیرگذار

الف. تحصن در دانشگاه تهران برای بازگشت امام خمینی (ع)

روز هشتم بهمن ماه سال ۱۳۵۷ چهل تن از روحانیون تهران و سایر شهرستان‌ها در اعتراض به ممانعت دولت از بازگشت امام خمینی (ع) به تهران در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند. در این تحصن روحانیون در اولین اعلامیه خود اظهار داشتند:

«اینجانبان به‌عنوان اعتراض به اعمال ضد انسانی دولت غیر قانونی بختیار از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۸ بهمن ماه جاری تا بازگشت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دام‌ظله به وطن با آغوش پر از مهر ملت، در مسجد دانشگاه تهران تحصن اختیار می‌کنیم، و از این محل مقدس در کنار برادران دانشجوی خود، ندای حق‌طلبانه خود را به گوش جهانیان خواهیم رساند» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۴، ۴: ۷۱۴).

ب. راهپیمایی ۱۷ شهریور

در سال ۱۳۵۷ نماز عید فطر به امامت دکتر مفتاح در تپه‌های قیطریه برگزار شد. نمازگزاران پس از پایان مراسم نماز تظاهرات بزرگی ترتیب دادند که تا آن روز سابقه نداشت. سولیوان سفیر وقت آمریکا در ایران می‌نویسد: «نظم و سازمان این راهپیمایی در عین حال که موجب تحیر و شگفتی ما شد، این واقعیت را هم آشکار ساخت که ما تشکیلات و فعالیت مخالفان را دست کم گرفته‌ایم و از منابع اطلاعاتی لازم در میان گروه‌های مخالف به‌ویژه روحانیون و بازاریان برخوردار نیستیم» (سولیوان و پارسونز ۱۳۶۳، ۱۴۸).

سه روز بعد در ۱۶ شهریور، بزرگ‌ترین تظاهرات کشور شکل گرفت که گفته می‌شد در تهران نزدیک به یک میلیون نفر در آن شرکت جسته‌اند. به دلیل گستردگی و عظمت تظاهرات ۱۶ شهریور، ارتش علی‌رغم حضور در خیابان‌ها نمی‌توانست به خشونت یا خونریزی متوسل شود. دکتر بهشتی در پایان سخنرانی خود در این روز اعلام کرد که جامعه روحانیت فردا برنامه نخواهد داشت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۶، ۹۵). اما از آنجا که صدای او به دلیل فقدان امکانات به همه حاضران نمی‌رسید. بخش مهمی از تظاهرکنندگان وعده کردند که فردای آن روز به‌عنوان مبدأ تظاهرات در میدان ژاله تجمع کنند.

در تهران و چند شهر بزرگ از صبح ۱۷ شهریور به مدت نامعلومی حکومت نظامی اعلام و به اجرا گذاشته شد (اکبری ۱۳۸۰، ۶۱). جمعیت معترض که از نخستین ساعات صبح ۱۷ شهریور در میدان ژاله گرد آمده بودند، از اعلام ناگهانی حکومت نظامی اطلاع نداشتند. زیرا رسانه‌های رژیم به‌ویژه رادیو، تنها ساعت ۶ صبح این خبر را پخش کرده بودند. هنگامی که تلاش کماندوهای رژیم برای پراکندن جمعیت اجتماع‌کننده و جلوگیری از راهپیمایی جمعیت بیشتر، به میدان ناکام ماند، خشونت آغاز شد و مردم بی‌دفاع به رگبار بسته شدند.

۲-۵. جامعه‌پذیری مردم از طریق شاگردپروزی

فراگیری علم و دانش و آموزش آن یکی از سنت‌های اسلامی است که اندیشه‌های

اسلامی همواره بر آن تأکید داشته است؛ اما در درون نهاد مرجعیت شاگردپروری و آموزش علم علاوه بر جایگاه اسلامی آن به دلایلی دیگر هم صورت می‌گرفته است. اولاً، مراجع عظام تقلید باید با تربیت شاگردان متعهد و دین‌دار سنت علوم حوزوی و بقای نهاد مرجعیت را حفظ می‌کردند به همین خاطر همه مراجع تقلید شاگردان خاصی داشتند که تلاش می‌کردند سرمایه علمی خود را به آن‌ها منتقل کنند از سوی دیگر در نهاد مرجعیت فردی که به مقام علمی قابل توجهی می‌رسد اساتید و بزرگان حوزه‌های علمیه اجازه اجتهاد او را امضاء می‌کنند و این سنت منجر به بازتولید سنت علم‌آموزی در طول زمان می‌شود و از این طریق در هیچ زمانی جامعه در شرایط فقدان مرجع تقلید شناخته شده قرار نمی‌گیرد.

اما دلیل دوم شاگردپروری در بین مراجع شیعه این است که این مراجع به تنهایی نمی‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند و با توجه به محدودیت زمانی قادر به پاسخگویی به همه مطالبات مقلدان خود نبودند؛ هر چند در بعضی از برهه‌های تاریخی موانعی هم از سوی دستگاه حاکمه برای ارتباط آن‌ها با مردم وجود داشت. شاگردان مراجع تقلید در واقع نقش واسطه میان مراجع تقلید و مردم را ایفا می‌کردند در وقایع اتفاقیه مهم که مراجع مواضع سیاسی اتخاذ می‌کردند مواضع، اعلامیه‌ها، فتاوی و اطلاعیه‌های خود را از طریق شاگردان خود به مردم منتقل می‌کردند و از این طریق در جهت آموزش سیاسی مردم حرکت می‌کردند.

۲-۵-۱. نمونه‌هایی از شاگردان مراجع

الف. شاگردان مرحوم آخوند خراسانی
مرحوم آخوند شاگردان زیادی پرورش داد که هر یک از آن‌ها در سال‌های بعدی چهره‌ای شناخته شده بود و خود به تربیت شاگردان دیگر می‌پرداخت. معاریف شاگردان وی عبارتند از:

سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ابوالقاسم قمی، شیخ ابوالقاسم ممقانی، سید ابوالقاسم کاشانی، محمدباقر گلپایگانی، شیخ میرزا آقا تهرانی، سید محمد تقی خوانساری، شیخ جعفر محلاتی، سید جمال‌الدین گلپایگانی، شیخ محمد جواد بلاغی، سید حسن قمشه‌ای

مدرس، حسین بروجردی و... (کفایی ۱۳۵۹، ۱۲۸) که هر کدام از این شاگردان در دوره‌های مختلف از مقام علمی والایی برخوردار بودند.

ب. شاگردان آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی از جمله مراجعی بودند که با تربیت شاگردان روشن‌اندیش و جامع‌نگر بزرگانی را برای انقلاب اسلامی فراهم کردند. برخی از این بزرگان عبارتند از: شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی، میرزا مسلم ملکوتی، حسین نوری همدانی، موسوی اردبیلی، حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، محمدرضا گلپایگانی، شیخ میرزا جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی تبریزی، حسین مظاهری، مکارم شیرازی، موسی شیرازی، زنجانی، امام خمینی (ره)، محمد فاضل لنکرانی، لطف‌الله صافی، عبدالله جوادی آملی، علی صافی، محمدتقی بهجت، حسینعلی منتظری، سیدعلی سیستانی، سیدعلی خامنه‌ای (شکوری ۱۳۷۰، ۷-۳۰).

۲-۶. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق رسانه‌ها

امام خمینی (ره) در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد اهمیت بهره‌گیری از رسانه‌ها می‌فرماید: «دو سه ساعت از برنامه رادیو دست ما بدهید... من به شما قول می‌دهم که نه با سلطنت شما مخالفت داشته باشد نه با وزارت شما مخالفت داشته باشد و نه با ریاست شما... فقط ما مردم را اگر وزارت فرهنگ و دستگاه‌های فرستنده یک مقداری در دست ما باشد، مردم را آشنا می‌کنیم، دنیا را آشنا می‌کنیم به احکام اسلام» (امام خمینی ۱۳۶۱، ۱: ۱۳۴).

۲-۶-۱. نمونه‌هایی از جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق رسانه‌ها

الف. انتشار کتاب

کتاب یکی از مهم‌ترین راه‌های ترویج افکار در اسلام بوده است و علمای ما هم از این ابزار مکتوب بهترین استفاده را برای بیان افکار و نظرات خود و حفظ آن‌ها در طول تاریخ کرده‌اند. کتاب‌ها در طول تاریخ مکتب تشیع از آنجا حایز اهمیت بوده‌اند که در نبود رسانه‌ها و در شرایط خفقان سیاسی می‌توانستند نظریات و افکار عالمان شیعه را

در خود جای داده و آن‌ها را برای نسل‌های آینده حفظ کنند.

به دلیل وجود برخی از مبانی و مباحث سیاسی اجتماعی در دین اسلام مراجع نیز به‌طور مکرر به این مسائل پرداخته‌اند و در کنار ابوابی چون طهارت، معاملات، مباحث قضا و ولایت، دیگر باب‌های مرتبط با مسائل سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در تاریخ تشیع در مورد مباحث سیاسی اجتماعی دین اسلام بیان شده است کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» به قلم آیت‌الله نائینی اشاره است، مرحوم نائینی در این رساله می‌کوشد تا اثبات کند که مبانی مشروطه - مثل آزادی، مساوات، پارلمان و تفکیک قوا - در بطن شریعت وجود دارند. نائینی هدف خود را از تألیف تنبيه الامه تنبيه امت به ضروریات شریعت و تنزیه ملت از الحاد و بدعت معرفی می‌کند (نائینی ۱۳۷۸، ۲۸). کتاب «کشف اسرار» امام خمینی (ره) یکی دیگر از کتب مهم در مورد اندیشه سیاسی اسلام است. ایشان معتقد است که مجلسی از مجتهدین دیندار، عادل، عاری از هوای نفسانی باید یک نفر سلطان عادل را برای حکومت انتخاب کنند که از قانون الهی تجاوز نکند.

اگر همچو مجلسی از مجتهدین دیندار که هم احکام خدا را بدانند و هم عادل باشند و از هواهای نفسانی عاری باشند و آلوده به دنیا و ریاست آن نباشند و جز نفع مردم و اجرای حکم خدا غرضی نداشته باشند تشکیل شود و یک نفر سلطان عادل انتخاب کنند که از قانون الهی تجاوز نکند به کجای نظام مملکت برمی‌خورد؟ همین‌طور اگر مجلس شورا از فقها تشکیل شود و یا به نظارت آن‌ها باشد چنانچه قانون هم همین را می‌گوید به کجای عالم برمی‌خورد» (امام خمینی ۱۳۶۳، ۱۸۵).

ب. سخنرانی آیت‌الله فلسفی به درخواست آیت‌الله بروجردی در رادیو

در بازه زمان مورد بررسی ما یعنی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران، رادیو رسانه‌ای در دست دستگاه حاکم بود و مراجع تقلید به آن دسترسی نداشتند اما با این وجود مواردی وجود دارد که امکان استفاده از رادیو برای آن‌ها فراهم شده است و نهاد مرجعیت هم از این فرصت بهترین استفاده را برای بیان اهداف خود کرده است.

در زمان پهلوی بالاخص پهلوی دوم بهائیت رشد بسیاری داشت و فرصتی پیدا کرد تا جمعیت خود را سه برابر کند و در دستگاه‌های دولتی نفوذ کند. «نهاد مرجعیت»

به مبارزه با این فرقه پرداخت، آیت‌الله فلسفی با اجازه آیت‌الله بروجردی علیه بهائیت شروع به سخنرانی کرد و سخنرانی وی از رادیو به‌طور مستقیم پخش شد؛ در کتاب خاطرات آیت‌الله فلسفی این مسئله به این صورت مطرح شده است:

آیت‌الله بروجردی این پیشنهاد سخنرانی علیه بهائیت را از رادیو پسندید و اضافه کرد بهتر است این مسئله به شاه گفته شود که بعداً مستمسک به دست او نیاید که کارشکنی بکند و پخش سخنرانی از رادیو قطع شود، زیرا این مطلب برای مسلمانان خیلی گران خواهد بود و باعث تجری هرچه بیشتر بهائی‌ها می‌شود. آقای فلسفی در ملاقات با شاه نظر آیت‌الله بروجردی را به وی ابلاغ کرد. شاه در پاسخ گفت: «بروید بگویید». آقای فلسفی موضوع را به وعاظ تهران نیز ابلاغ کرد که در ماه رمضان روحانیون همه مساجد علیه بهائیان سخنرانی کنند (فلسفی ۱۳۷۶، ۱۹۰-۱۹۱).

۲-۷. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق مهاجرت

بقاع متبرکه در طول تاریخ ایران همواره حریم‌های امن بوده‌اند که تعرض به مردم در این اماکن برای دستگاه حاکم سخت و دشوار بوده و هزینه فراوانی را برای آن‌ها به بار می‌آورد. مراجع شیعه با استفاده از ابزارهای گوناگون تلاش می‌کردند مخالفت خود را با وضع موجود اعلام کنند که یکی از مهم‌ترین اشکال بیان اعتراض مهاجرت بود.

مهاجرت از چند جهت حایز اهمیت است اول اینکه امکان ارتباط مستقیم بین مرجع تقلید و مردم را فراهم می‌کند. دوم اینکه برای مردمی که در مورد وقایع سیاسی اطلاعات ندارند ایجاد سؤال می‌کند که چرا مرجع تقلید در مکانی بست نشسته و این امر منجر به ارتقای دانش سیاسی مردم می‌شود و خود به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار عمل می‌کند چرا که مردم در مورد وقایع سیاسی اتفایه پرس‌وجو کرده و در مورد آن‌ها آگاه می‌شوند.

۲-۷-۱. نمونه‌هایی از مهاجرت‌های تأثیرگذار

الف. مهاجرت صغری

علما، وعاظ و طلاب که با توده مردم و کسبه و بازاریان پیوند نزدیکی داشتند، به‌عنوان سخنگوی مردم در برابر حکومت شناخته می‌شدند. نهاد مرجعیت نقش غیر قابل

انکاری در پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کرد، می‌توان مهاجرت صغری را یکی از اقدامات این نهاد برشمرد؛ بعد از به چوب بستن تجار توسط عین‌الدوله و زد و خوردی که بعد از این واقعه در مسجد شاه پیش آمد، مردم در منزل آیت‌الله طباطبائی تجمع کردند و مقرر شد در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کنند؛ لذا در ۱۶ شوال ۱۳۲۳ به سوی شهر ری رهسپار شدند. معروف‌ترین روحانیون که در مهاجرت صغری حضور داشتند عبارت بودند از: سیدمحمد طباطبائی، سید عبدالله بهبهانی، شیخ مرتضی آشتیانی: درالعلماء، سیدجمال افجه، میرزا مصطفی آشتیانی، سید محمدصادق کاشانی، شیخ محمدرضا قمی (ملک‌زاده ۱۳۶۳، ۲۷۵).

تقاضاهای متحصنین عبارت بود از: نبودن عسکرگاریچی در راه قم، بازگرداندن حاج میرزا محمدرضا از رفسنجان به کرمان، بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی، تأمین عدالتخانه در همه جای ایران برای جلوگیری از ستمگری حکام، اجرای قوانین اسلام درباره تمام مردم به‌طور یکسان، برداشتن مسیونوز بلژیکی از سرگمرک و مالیه، برداشتن علاءالدوله از حکمرانی تهران، کم نکردن تومانی ده شاهی از مواجب و مستمریات (مدنی ۱۳۶۵، ۱۰۶).

این تقاضاها از طرف سفیر عثمانی به میرزائصرالله خان مشیرالدوله وزیر امورخارجه تسلیم شد تا به نظر شاه برسد. مظفرالدین شاه که تا این هنگام از همه‌جا بی‌خبر مانده بود. اظهار داشت که به سفیر عثمانی اطلاع دهند که درخواست‌های آقایان پذیرفته شده و خود آنان با شکوه و پاسداری به تهران بازگردانیده خواهند شد (کرمانی و سعیدی سیرجانی ۱۳۷۷، ۲۹۶).

ب. مهاجرت کبری

در روز دوشنبه ۲۰ تیرماه ۱۲۸۴ مهاجرت کبری شروع شد و آیات عظام بهبهانی، طباطبائی، سیدجمال افجه و آقایان محمدرضا قمی و صدرالعلماء و مرتضی آشتیانی و عده‌ای دیگر از تجار و کسبه و طلاب به سمت ابن بابویه و حرم عبدالعظیم حرکت کردند (تهرانی ۱۳۷۹، ۱۷۶) و پس از یک شب توقف، راه قم را در پیش گرفتند. خواسته آن‌ها عزل عین‌الدوله و ایجاد عدالت‌خانه بود.

حدود سه هزار نفر در حرم عبدالعظیم متحصن شدند (مدنی ۱۳۶۵، ۱۱۵) مهاجرین از

حضرت عبدالعظیم به کهریزک رفتند و برای ملحق شدن شیخ فضل‌الله نوری تا دو روز در کهریزک مانده و از آنجا به سمت قم حرکت نمودند (امینی ۱۳۸۲، ۱۷۶).

شهر بار دیگر از علما خالی شد و آزادی‌خواهان در کار خود فرومانده نمی‌دانستند چه کنند و اگر عین‌الدوله در صدد انتقام‌جویی برآید به کجا پناه جویند. علما در آن روز نه تنها امور شرعی و عرفی مردم (محاكمه دادگستری و دفاتر اسناد رسمی، تمام معاملات، عقود، خرید و فروش املاک و اجناس، رهن و اجاره، مصالحه، ازدواج و...) را فیصله می‌دادند، پشتیبان ستم‌دیدگان نیز بودند، هرکس ستمی می‌دید به آستانه آن‌ها پناه می‌جست (الگار ۱۳۶۶، ۳۴۸).

شاه تقاضای مهاجرین و متحصنین سفارت انگلیس را پذیرفت. و سرانجام فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ (۵ اوت ۱۹۰۶ یا ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴) خطاب به مشیرالدوله از طرف مظفرالدین شاه داده شد (مدنی ۱۳۶۵، ۱۱۵).

ولی صدور فرمان و دست‌خط شاه، علما و مردم را راضی نکرد، شاه ناچار شد ۳ روز بعد فرمان تکمیلی دیگری صادر نماید. به دنبال دست‌خط تکمیلی، عضدالملک که از بزرگان قاجار بود مأمور شد برای تدارک و تهیه مقدمات بازگشت علما به قم برود و با دلجویی از علما آن‌ها را به تهران بازگرداند (مدنی ۱۳۶۵، ۱۲۰).

۲-۸. جامعه‌پذیری سیاسی مردم از طریق نظریه‌پردازی سیاسی در خصوص حکومت اسلامی

اسپریگنز می‌گوید: «واژه یونانی تئورین^۱، که کلمه تئوری^۲ از آن مشتق می‌شود، به معنای نظر کردن، توجه کردن، و تعمق کردن است. این دقیقاً همان کاری است که متفکران بزرگ و دیگرانی که چون آنان، قرن‌ها به بحث در نظریه‌های سیاسی پرداخته‌اند، بشر را به آن دعوت می‌کنند. این متفکران، نحوه نگرشی را به انسان می‌آموزند که معنی آن به‌طور کلی، تصویری نمادین از کلیتی نظم یافته است» (اسپریگنز ۱۳۸۲، ۱۸).

بیشتر نظریه‌پردازی‌هایی که در عرصه سیاست در بین فقهای شیعه مطرح شده بود در پاسخ به این سؤال بود که چه کسی باید حکومت کند؟ از همین رو فقهای شیعه

تلاش کرده‌اند که با استفاده از مبانی دینی و عقلی پاسخی مستدل به این سؤال ارائه کنند. اما نظریه‌پردازی سیاسی اسلام در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی فراتر از سؤال مذکور مطرح و بررسی می‌شود و با طرح نظریه ولایت فقیه از سوی امام خمینی (ره) به اوج خود می‌رسد این نظریه به‌عنوان مبنای تشکیل و پایه‌گذاری حکومت اسلامی در ایران مطرح می‌شود.

نهاد مرجعیت در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی از طریق نظریه‌پردازی سیاسی اسلام با استخراج مبانی و اصول سیاست در اسلام به طرح نظام سیاسی اسلام پرداخت و آن را به‌عنوان یک حکومت دینی به مردم عرضه کرد. به‌طوری که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، نهاد مرجعیت با بهره‌برداری از شبکه اجتماعی‌ای که در اختیار داشته از طریق روحانیون و طلاب اغراض سیاسی خود را در قالب عزاداری‌ها برای مردم بیان کرده و مفاهیمی مانند ظلم، عدالت در حکومت، ویژگی‌های حاکم و... برای مردم تبیین می‌کردند.

۲-۸-۱. نمونه‌هایی از نظریه‌پردازی سیاسی تأثیرگذار

الف. مشروطیت راهی برای مهار استبداد و اجرای قوانین اسلام

انقلاب مشروطه به‌عنوان سرنوشت‌سازترین حادثه سیاسی - اجتماعی قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. عقیده تعداد زیادی از روحانیون و مراجع که به حمایت از انقلاب مشروطه برخاستند، این بود که مشروطیت اگر چه منطبق با معیارهای حکومت اسلامی نیست، اما آنان در قالب این نظام، خواهند توانست به بخشی از اندیشه‌های سیاسی - اعتقادی خود جامه عمل بپوشانند و ضمن مهارکردن استبداد مطلقه خواهند توانست تا حدودی قوانین اسلام را به اجرا درآورند.

آخوند خراسانی در جواب استفتائی درباره مشروطه، سلطنت را به مشروعه و غیر مشروعه تقسیم کرده است و اولی را به حکومت معصوم (علیه السلام) و دومی را در عاقله و جابره منحصر کرده است: عاقله نظیر مشروطه که مباشر امور عامه، عاقله و متدینین باشند (نجفی قوچانی ۱۳۷۸، ۵۳). همچنین آخوند در یکی از تلگراف‌های خود نوشته است: «ضروری مذهب است که قدرت مسلمین در عصر غیبت با جمهور» باشد

(کرمانی و سعیدی سیرجانی ۱۳۷۷، ۲۳۰).

ب. ولایت فقیه به‌عنوان نظریه‌ای مترقی در خصوص حکومت اسلامی

ولایت فقیه هم‌زاد فقه است و متناسب با شرایط سیاسی - اجتماعی هر دوره جلوه‌های متفاوتی داشته و تحولاتی را در جهت کمال طی کرده است. تحولات به‌وجود آمده در نظریه ولایت فقیه بر اساس تحولات سیاسی، اجتماعی مناطقی که شیعیان و فقهایشان در آن حضور داشته‌اند باعث گسترش معنای ولی فقیه نزد مراجع و فقیهان مختلف شده است.

آخوند خراسانی یکی از بزرگ‌ترین مراجع دوران مشروطیت دلالت روایات بر عمومیت حاکمیت مجتهد جامع‌الشرائط را کامل نمی‌دانست، از همین رو ایشان در کتاب «قضا» از طریق اصول عامه و همچنین مبانی عقلی حاکمیت مرجع تقلید را اثبات کرده است. با توجه به مدارک موجود، می‌توان نظریه آخوند درباره حکومت مشروع در زمان غیبت امام عصر (عجل‌الله‌فرجه) را چنین بیان کرد: «حاکمیت سیاسی مردم در هر نظامی، در چارچوب مذهب شیعه با تشخیص و نظارت مجتهدان». وی می‌گوید: موضوعات عرفیه و امور حسبیه در زمان غیبت، به عقلای مسلمین و ثقات مؤمنین مفوض است. ایشان مصداق آن را همان دارالشورای کبرا می‌دانست (نجفی قوچانی ۱۳۷۸، ۵۲؛ خراسانی ۱۴۰۶، ۹۳).

محقق نائینی (ره) یکی از علمای دوران مشروطه ولایت را به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم کرده و پس از اثبات هر دو قسم ولایت برای پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) ولایت تشریحی را قابل جعل و اعطا به غیر معصوم (ع) دانسته و در حوزه ولایت تشریحی دو منصب ولایت امری و قضاوت را از یکدیگر تفکیک کرده است و قضاوت را بی‌هیچ شبهه‌ای برای فقیه ثابت دانسته و همچنین دلالت مقبوله عمر بن حنظله بر ولایت عامه فقیه را پذیرفته است (نائینی ۱۳۷۸، ۴۲-۴۵).

آیت الله محقق اصفهانی (محمد حسین غروی اصفهانی ۱۲۹۱-۱۳۶۱ ق) در حاشیه کتاب مکاسب برای اثبات ولایت فقیه ابتدا سه روایت را نقل و بعد از تقریب استدلال به روایات، تنها دلالت مقبوله عمر بن حنظله را می‌پذیرد، وی بر این باور بود که مراد از حاکم در مقبوله عمر بن حنظله یا والی است و یا قاضی. محقق اصفهانی با اینکه

در ادله نقلی ولایت فقیه مناقشه کرده، در عین حال پذیرفته است که ولایت فقیه اجماعی^۱ است و این مسئله در سخنان فقیهان چنان مسلم و یقینی است که نیازی به استدلال ندارد به طوری که ولایت فقیه در سخنان این فقها دلیل بسیاری از احکام شمرده شده است نه اینکه بر ولایت فقیه دلیل اقامه شده باشد (محقق اصفهانی بی تا، ۲۱۴).

امام خمینی (ره) نظر خود درباره ولایت فقیه را نخستین بار در کتاب کشف اسرار بیان کرد وی در این کتاب ابتدا با دلیل عقلی، ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه بشری را به اثبات رسانده و سپس با دلیل عقلی مستقل و غیرمستقل و سیره پیامبر (ص) و علی (ع) ضرورت تشکیل حکومت در همه زمانها و مکانها را نتیجه گرفت و در دلیل عقلی مستقل به حکمت الهی اشاره کرد و نشان داد که بلا تکلیف گذاشتن مردم در مسئله حکومت با حکمت خدا سازگار نیست و در دلیل عقلی غیرمستقل به ماهیت قانون اسلام و روح کلی حاکم بر قوانین اسلام استناد کرد. ایشان با توجه به اینکه اداره حکومت بدون حاکم و والی امکان ندارد؛ در دوران حیات پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) آنها را به عنوان والی و حاکم در حکومت اسلامی معرفی کرده و در عصر غیبت با استناد به روایات، حق حکومت را تنها برای فقیه عادل قائل شد و حاکم مشروع و منصوب از جانب معصومان (ع) را فقیه عادل معرفی کرده است (امام خمینی بی تا، ۱۸۱، ۱۸۴، ۲۳۶). البته این نظریه به صورت کامل تر در کتاب ولی فقیه ایشان بیان شده است و چون در اینجا قصد ما تشریح نظریه ولایت فقیه نیست نیازی به تشریح مفصل این نظریه نیست.

نتیجه گیری

با وجود فقدان آزادی سیاسی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نهاد مرجعیت با استفاده از ابزارهای گوناگون تلاش کرده در جهت جامعه پذیری سیاسی مردم عمل کند؛ نهاد مرجعیت با استفاده از شبکه اجتماعی «مرجع تقلید - مقلد» و با استفاده از ابزارهایی همچون خطابه، فتوا، بیانیه، تجمعات سیاسی، شاگردپرووری، رسانه، مهاجرت و نظریه پردازی سیاسی به جامعه پذیری سیاسی مردم پرداخته است.

۱. یعنی همه فقها این مسئله را قبول کرده اند.

خطابه‌های مذهبی با توجه به مبنا قرار دادن قیام امام حسین (علیه السلام) همواره این قابلیت را داشتند که به عنوان خطابه‌ای سیاسی خود را بر شنونده عرضه کنند مراجع شیعه به طور خاص در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی از این ابزار بیشترین بهره‌برداری را کردند. فتوا یکی دیگر از ابزارهای مهمی است که نهاد مرجعیت هر زمان که مصالح جامعه اسلامی را در خطر می‌دید مواضع خود را در قالب فتوا بیان می‌کرد. بیانیه یکی دیگر از ابزارهایی است که مراجع شیعه برای جامعه‌پذیری سیاسی مردم از آن سود جستند؛ در بیانیه‌هایی که از طرف مراجع صادر شده است مبانی یک تصمیم سیاسی تبیین شده و به اطلاع مردم رسیده است و تلاش شده تا مردم با استفاده از این مبانی و در چارچوب آن‌ها عمل حاکمان سیاسی را ارزیابی کنند. در بعضی از مواقع که ایراد خطابه، صدور فتوا و بیانیه نتوانسته حاکمان سیاسی را از تصمیمات خود منصرف کند مراجع شیعه از ابزار تجمعات سیاسی برای اعلام اعتراض خود سود جستند. در قالب این تجمعات هسته‌های سیاسی شکل می‌گرفت و شاگردان مراجع تقلید در این هسته‌ها حاضر می‌شدند و مردم به بحث و تبادل نظر با آن‌ها می‌پرداختند.

شاگردپروری از دیگر راه‌های جامعه‌پذیری سیاسی است که مراجع از طریق آن به حفظ سنت علمی حوزه‌های علمیه مبادرت می‌ورزیدند و در عین حال از شاگردان خود برای ایجاد ارتباط با بدنه جامعه بهره می‌بردند و به این صورت شبکه اجتماعی ایجاد شده بود که ارتباط مستمر بین «مرجع تقلید و مقلد» را امکان‌پذیر می‌کرد. بهره‌گیری از رسانه یکی دیگر از راه‌های نهاد مرجعیت برای جامعه‌پذیری سیاسی مردم بود البته با توجه به محدودیتی که در این زمینه وجود داشت مراجع به استفاده از رادیو و چاپ کتاب بسنده کرده بودند.

مهاجرت ابزار سیاسی بود که بیشتر در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه مورد استفاده قرار گرفته و هر چه از انقلاب مشروطه فاصله می‌گیریم و به انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم می‌بینیم که مراجع ترجیح می‌دادند از برپایی تجمعات سیاسی به جای مهاجرت برای بیان اغراض سیاسی خود استفاده کنند هر چند نمونه‌هایی هم وجود دارد که این مسئله را نقض می‌کند.

هر فعالیت اجتماعی نیازمند ایدئولوژی و مبانی نظری است بعد از وقوع انقلاب

مشروطه و همزمان با آن مراجع آن دوران تلاش کردند مبانی نظری حکومت مشروطه را از احکام اسلامی استخراج کنند و تا حدودی هم موفق به این امر شدند؛ اما در سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی با توجه به لزوم ایجاد حکومت اسلامی در اندیشه فقیهان و مراجع تقلید آنها تلاش کردند مبانی نظری‌ای برای ایجاد حکومت اسلامی تدوین کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت «نهاد مرجعیت» از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی تلاش کرده است از تمام ابزارهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی بهره‌برداری تا فعالیت‌های سیاسی مردم را جهت‌دهی کند.

منابع

ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۹) فراتر از آزمون و خطا (زمانه و کارنامه آیت الله العظمی آقا سیدمحمدکاظم یزدی (ع)) «صاحب عروه». تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. چاپ دوم.

اسپریگنز، توماس (۱۳۸۲) فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگه. اکبری، منوچهر (۱۳۸۰) «جوان باوری دیگر بعد ناشناخته امام خمینی (ع)». نشریه حضور، تابستان، شماره ۳۶.

امینی، علیرضا و ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۲) تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از قاجاریه تا رضا شاه. تهران: نشر قومس.

بذرافشان، مرتضی (۱۳۷۶) سید محمد کاظم یزدی فقیه دوران‌دیش. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی (۱۳۷۹). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار. جعفریان، رسول (۱۳۸۵) تاریخ تشیع. تهران: سازمان تبلیغات، چاپ سوم.

خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶) حاشیه کتاب المکاسب. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

خمینی، روح‌الله (امام) (بی‌تا) کشف اسرار. تهران: نشر ظفر.

خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۶۱) صحیفه نور. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۶۳) کتاب البیع. تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

دوانی، علی (۱۳۷۷) نهضت روحانیون ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست. مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر سمت.

رنی، آستین (۱۳۷۴) حکومت: آشنایی با علم سیاست. ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

زرگری‌نژاد، عبدالحسین (۱۳۷۴) رسائل مشروطیت. تهران: کویر.

سولیوان، ویلیام و پارسونز، آنتونی (۱۳۶۳) خاطرات دو سفیر. ترجمه محمد طلوعی، تهران: نشر علم.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۰) «نگاهی به روش فقهی مصلح بزرگ، آیت‌الله بروجردی (ره)»، آینه پژوهش. خرداد و تیر ۱۳۷۰ - شماره ۷.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۲) بنیادهای علم سیاست. تهران، نشر نی، چاپ سوم.

علویان، مرتضی (۱۳۸۲) «عالمان دینی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی با تأکید بر انقلاب مشروطه»، مجله معرفت. آذر ۱۳۸۲، شماره ۷۲.

کرمانی، محمد ناظم الاسلام، سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۷۷) تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: پیکان.

کفایی، عبدالحسین مجید (۱۳۵۹) مرگی در نور؛ زندگی آخوند خراسانی. تهران: کتابفروشی زوار. الگار، حامد (۱۳۶۶) دین و دولت در ایران؛ نقش علما در دوره قاجاریه. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

لازار، ژودیت (۱۳۸۳) افکار عمومی. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر نی.

محقق اصفهانی، محمدحسین (بی تا) حاشیه کتاب المکاسب. قم: مکتبه البصیرتی.

محمدی، منوچهر (۱۳۶۵) تحلیلی بر انقلاب اسلامی. تهران: امیرکبیر.

مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۵) تاریخ سیاسی معاصر ایران. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۴) اسناد انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۴.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۶) خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) مجموعه آثار شهید مطهری. تهران، انتشارات صدرا.

منصوری، جواد (۱۳۷۷) آموزش و تربیت سیاسی. تهران، نشر تربیت.

موسوی عبادی، سید علی اصغر (۱۳۸۴) «وعاظ و خطبا به روایت اسناد ساواک»، مجله یاد. شماره ۷۸.

مهرداد، هرمز (۱۳۷۶) جامعه‌پذیری سیاسی. چاپ اول، تهران: انتشارات پاژنگ.

نائبینی، محمد حسین (۱۳۷۸) تنبیه الامه و تنزیه المله. با توضیحات سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

نجفی قوچانی، حسن (۱۳۷۸) برگی از تاریخ معاصر (حیات الاسلام فی احوال آیه الملك العلام). تهران: نشر هفت.

هرمز، مهرداد (۱۳۷۶) زمینه‌های جامعه‌شناسی؛ جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ.

